



در آمریکا اظهار نظر درباره رژیم صهیونیستی هزینه دارد
اما هواداران ستاره‌های هالیوود توقع موضع‌گیری دارند

مک کارتیسم
قرن ۲۱

صفحه ۸

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4370 | TUE.JUL.21, 2025 | ISSN:2008-2886

۱۴۰۰ سال و ۲۳۳ روز گذشت |

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

سردرگمی سرخ‌ها در ترکیه
در مواجهه با تکمیل لیست بازیکنان

معمای عجیب
هاشمیان

صفحه ۶

سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۴ | ۲۶ محرم ۱۴۴۷ | ۲۲ جولای ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۳۷۰ | صفحه ۱۰۰۰۰ | تومان

تیتترهای امروز



نگرانی ترکیه از ترور جولانی کودتا علیه او
پس از فروکش درگیری‌های سویدا

بر لبه
پرتگاه

صفحه ۷

«وطن امروز» پیشنهاد مشاوران املاک
برای افزایش حق کمیسیون را بررسی کرد

چشم‌بنگاهی
به جیب مستأجر

صفحه ۳

استفاده از فناوری‌های جدید در تولید واکسن‌ها
ایران راه‌یکی از کشورهای پیشرو
در این زمینه تبدیل کرده است

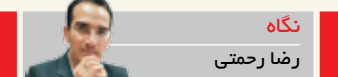
پیشگیری
هسته‌ای!

ویژه

ایران دومین کشور جهان است
که چرخه کامل تولید واکسن تب‌برفکی
را با برتوده‌ی گاما بومی‌سازی کرد

صفحه ۴

بومرنگ اسنپ‌بک



نگاه

رضا رحمتی

در روزها و ماه‌های آینده کشور یک بار دیگر (با فعال شدن یا حتی نشدن) در معرض مکتانیم مائه قرار خواهد گرفت. چه مکتانیم مائه فعال شود (که با توجه به قرائن مشخص است این اتفاق خواهد افتاد) چه نشود، از هم‌اینک مشخص است اروپایی‌ها و آمریکا در تلاش برای ایجاد بن‌بست‌های اقتصادی برای ایران هستند. فعال‌سازی مکتانیم مائه توسط ترونیکی اروپا (فرانسه، آلمان و انگلیس) و پیامدهای آن برای روند تحریم‌های ایران، نکات مهمی را مطرح می‌کند.

■ مکتانیم مائه و بازگرداندن تحریم‌ها

بر اساس قطعنامه ۲۳۳۱ شورای امنیت (۲۰۱۵)، هر یک از اعضای دائم شورای امنیت (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و انگلیس) می‌تواند با استناد به نقض برجام توسط طرف دیگر، درخواست بازگشت تحریم‌های پیشین (تحریم‌های شورای امنیت قبل از ۲۰۱۵) را کند. نکته مهم در این بین این است که ۳ کشور اروپایی که در روابط بین‌الملل موسوم به ترونیکی اروپا هستند، طبق ماده ۲۷ برجام می‌توانند از این مکتانیم برای اعمال فشار بر ایران استفاده کنند اما در وضعیتی بسیار تامل‌برانگیز این اقدام نیازمند رأی گیری در شورای امنیت «بیست».

■ تضعیف اهرم فشار اروپا

در صورت فعال‌سازی مکتانیم مائه و بازگشت خودکار تحریم‌ها علیه ایران، وضعیت روابط ایران و اروپا در موقعیتی ویژه قرار می‌گیرد. درست است به سبب خروج آمریکا از برجام، امکان فعال‌سازی مکتانیم مائه توسط آمریکا وجود ندارد و ترونیکی می‌تواند در قالب مکتانیم مائه تحریم‌ها را بازگرداند اما به سبب حضور آمریکا در شورای امنیت و استفاده از حق وتو، این تحریم‌ها براحتی لغو نخواهد شد. در واقع این اقدام می‌تواند به یک «سلاح دولیه» تبدیل شود و همان‌طور که وزارت امور خارجه ایران تصریح کرده است، اروپا را از جایگاه اخلاقی و روابط بین‌المللی خود در موضوع ایران ساقط خواهد کرد. طبیعتاً یک سو ایران تحت فشار اقتصادی شدیدتری قرار می‌گیرد و این موضوع مشخص است اما از سوی دیگر، اروپا کنترل خود بر روند تحریم‌ها و مذاکرات با ایران را به کلی از دست می‌دهد. بنابراین این وضعیت می‌تواند آنچه را تحت عنوان «اعتبار اروپا» از آن یاد می‌شود به عنوان یک بازیگر مستقل در مذاکرات هسته‌ای زیر سؤال ببرد، زیرا ایران ممکن است آنها را فاقد توانایی واقعی برای تعامل با تهران و صرفاً به عنوان یکی از بازوهای آمریکایی روابط بین‌الملل در نظر گیرد.

ادامه در صفحه ۲



صفحه ۵

نسل‌کشی با گرسنگی

رژیم صهیونیستی از طریق
راهبرد «خاک در برابر غذا»
تلاش می‌کند با محاصره غذایی
و دارویی، مردم غزه را
وادار به کوچ کند

گفت‌وگوی «وطن امروز» با پیتر فورد درباره بازی اسرائیل در سوریه

سوریه، از تضعیف ساختاری تا طرح‌های فدرالی

چندین بازیگر بزرگ، از جمله ترکیه، سوریه، روسیه و آمریکا در هم تنیده شده است. منافع ترکیه در شمال سوریه عمدتاً بر مهار گروه‌های کرد متمرکز است که آنکارا آنها را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند. ترکیه همچنین به دنبال ایجاد «مناطق امن» در مرزهای جنوب خود برای اسکان آوارگان سوری است. اسرائیل در عین حال که ممکن است از تضعیف دولت مرکزی سوریه توسط ترکیه در شمال استقبال کند اما در نهایت منافعش در شمال به طور مستقیم با ترکیه همسو نیست. ترکیه به دنبال گسترش نفوذ و حضور بلندمدت در خاک سوریه است، در حالی که هدف اسرائیل بیشتر تضعیف کلیت سوریه و جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه تهدید از این قلمرو است. این می‌تواند به تضاد منافع در آینده منجر شود.

■ آیا میان سکوت ترکیه در برابر حملات هوایی رژیم و دادوستدهای میدانی ارتباطی هست؟

این یک پرسش مهم و کاملاً منطقی است. ترکیه با وجود حضور نظامی گسترده در شمال سوریه، همواره نسبت به حملات هوایی اسرائیل به سوریه سکوت اختیار کرده است. این سکوت می‌تواند نشان‌دهنده نوعی «تفاهم ضمنی» یا «دادوستد غیررسمی» باشد. ممکن است آنکارا حملات اسرائیل را که عمدتاً دولت سوریه و متحدانش را هدف قرار می‌دهد، به نوعی در راستای منافع خود در تضعیف دمشق ببیند. به بیان دیگر، شاید ترکیه ترجیح دهد اسرائیل به تضعیف دولت مرکزی کمک کند، در حالی که خودش در شمال به اهدافش می‌رسد. این یک تعادل پیچیده از منافع است که آنکارا و تل‌آویو را در برخی نقاط همسو و در نقاط دیگر در رقابت قرار می‌دهد. این نوع دادوستدها در دیپلماسی منطقه‌ای چیزی غیرعادی نیست.

چنین طرح‌های بلندمدت و گسترده‌ای در منطقه نمی‌زند. آمریکا و اسرائیل در بسیاری اهداف استراتژیک منطقه‌ای، بویژه در قبال تضعیف نفوذ دولت مرکزی سوریه و همچنین آنچه آن را «تهدیدات منطقه‌ای» می‌نامند، هم‌راستا هستند. حضور نیروهای آمریکایی در شمال شرق سوریه و حمایت پنتاگون از «نیروهای سوریه دموکراتیک» (SDF) را نمی‌توان جدا از این معادله دید. این نیروها کنترل بر مناطق حیاتی نفتی را در دست دارند و عملاً مانعی برای بازگشت کامل حاکمیت دمشق به شرق فرات هستند. این وضعیت به تضعیف دولت مرکزی سوریه و فشار بر آن برای پذیرش راه‌حل‌های سیاسی مورد نظر غرب کمک می‌کند که همسو با اهداف تل‌آویو برای تضعیف یکپارچگی سوریه است.

■ در صورت موفقیت پروژه تجزیه، آینده دولت مرکزی سوریه چگونه تغییر می‌کند؟

موفقیت در پروژه تجزیه به تضعیف ساختاری سوریه می‌تواند پیامدهای عمیقی برای دولت مرکزی دمشق داشته باشد. چنین سناریویی، قدرت و حاکمیت دمشق را بشدت محدود می‌کند و آن را به یک دولت مرکزی بسیار ضعیف با کنترل محدود بر قلمرو خود تبدیل می‌کند. سوریه در این حالت به یک کشور درگیر منازعات داخلی دائمی تبدیل خواهد شد و قابلیت ایفای نقش منطقه‌ای را به طور کامل از دست خواهد داد. این امر، به اسرائیل اجازه می‌دهد با اطمینان بیشتری بر منافع امنیتی خود در مرزها تمرکز کند، بدون اینکه نگران یک دولت سوری قدرتمند و متحد در آینده باشد.

■ در شمال سوریه، اهداف ترکیه و رژیم هم‌راستا است یا متضاد؟

این یک منطقه بسیار پیچیده است که در آن منافع

مطالبه بازگشت جولان همواره مطرح خواهد بود. اسرائیل نمی‌تواند این خطر را بی‌دیدد. بنابراین، برای تثبیت دائم اشغال جولان و از بین بردن هرگونه چشم‌انداز بازگشت آن، تضعیف و تجزیه سوریه به یک هدف استراتژیک تبدیل می‌شود. این به معنای عدم یک حریف جدی در آینده برای مطالبه این سرزمین است.

■ ارتباط طرح‌های احتمالی تجزیه با تثبیت اشغال بلندمدت جولان چیست؟ آیا رژیم به دنبال ایجاد یک

کمربند حائل کردی یا دروزی در جنوب سوریه است؟ این ۲ موضوع ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. اگر سوریه به مناطق کوچک‌تر و ضعیف‌تر تقسیم شود، قدرت چانه‌زنی و توان نظامی آن برای بازپس‌گیری جولان بشدت کاهش می‌یابد. در این سناریو، اشغال جولان عملاً به یک واقعیت دائمی تبدیل می‌شود. درباره طرح‌های کمربند حائل، بلکه این یک تحلیل منطقی در محافل اطلاعاتی و استراتژیک است. ایجاد مناطق خودمختار یا نیمه‌خودمختار، بویژه در مناطق مرزی می‌تواند به عنوان یک «بافر» امنیتی عمل کند. تلاش برای تحریک خودمختاری دروزی‌ها در منطقه سویدا یا حمایت از نیروهای کرد در شمال شرق می‌تواند به جدا کردن این مناطق از کنترل دمشق و ایجاد فضایی تحت نفوذ غیرمستقیم اسرائیل منجر شود. این نه تنها امنیت مرزی اسرائیل را تقویت می‌کند، بلکه پیوستگی ارضی سوریه را نیز تضعیف می‌کند.

■ آیا استراتژی بلندمدت رژیم اشغالگر در سوریه بدون سرچ‌ساز آمریکا و حمایت متحدان غربی ممکن است؟

نقش پنتاگون در تحکیم نیروهای «نیابتی» در شمال شرق سوریه چه ارتباطی با طرح‌های تل‌آویو دارد؟ خیراً تقریباً غیرممکن است. اسرائیل بدون حمایت قاطع یا حداقل چرخ‌ساز سبب ایالات متحده، دست به

■ آیا می‌توان گفت راهبرد رژیم از صرف «مهار» آنچه تهدید می‌داند، فراتر رفته و به سمت «تجزیه و تضعیف ساختاری» سوریه تغییر جهت داده است؟

شواهد موجود به وضوح نشان می‌دهد رویکرد اسرائیل بسیار فراتر از مهار صرف است. یک سوریه ضعیف، چندپاره و درگیر منازعات داخلی، به سود منافع استراتژیک بلندمدت اسرائیل است. چنین وضعیتی، هرگونه امکان بازسازی توان نظامی قوی در دولت مرکزی دمشق را از بین می‌برد و عملاً دمشق را از هرگونه تهدید جدی برای اسرائیل بازمی‌دارد. به بیان ساده‌تر، یک سوریه یکپارچه و قدرتمند، حتی اگر درگیر جنگ داخلی نباشد، باز هم می‌تواند یک چالش برای اسرائیل باشد، زیرا همواره مطالبه بازپس‌گیری جولان را مطرح خواهد کرد. لذا تضعیف ساختاری و حتی طرح‌های فدرالی با تجزیه‌ای، برای اسرائیل جذابیت فراوانی دارد. این به معنای ایجاد یک کمربند حائل از مناطق ضعیف یا خودمختار در اطراف مرزهای اشغالی است که ثبات بلندمدت اسرائیل را تضمین می‌کند.

■ در این زمینه، نقش بلندمدت و حیاتی بلندی‌های جولان و تضمین امنیت مرزهای شمال فلسطین اشغالی چیست؟ چرا حفظ جولان، رژیم صهیونیستی را به سمت تضعیف دولت مرکزی سوریه سوق می‌دهد؟

بلندی‌های جولان برای اسرائیل نه فقط یک منطقه اشغالی، بلکه یک عنصر بنیادین در دگرترین امنیتی آن است. این بلندی‌ها یک موقعیت دفاعی طبیعی و برتری جغرافیایی بی‌بدیل در برابر هرگونه حمله از سمت سوریه فراهم می‌کند. همچنین این منطقه دسترسی اسرائیل به منابع آبی بسیار مهمی را تضمین می‌کند. اگر یک دولت مرکزی قوی و یکپارچه در دمشق وجود داشته باشد، بتواند منافع اسرائیل را به چالش بکشد، بازسازی نشود.

گفت‌وگو

سمیه خلیلی

بحران سوریه، با وجود کاهش شدت درگیری‌های میدانی، همچنان کانون تقاطع منافع و راهبردهای پیچیده بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. در این میان، نقش رژیم صهیونیستی و اهداف بلندمدت آن در قبال همسایه شمالی‌اش، همواره محل پرسش و گمانه‌زنی بوده است. برای واکاوی این ابعاد پنهان، فرصتی فراهم شد تا دیدگاه‌های پیتر فورد، سفیر سابق انگلیس در سوریه را در گفت‌وگو با وی جویا شویم. فورد با سال‌ها تجربه دیپلماتیک در منطقه، پرده از اهداف واقعی تل‌آویو و نقش متحدان غربی آن در معماری جدید سوریه برمی‌دارد.

■ آقای سفیر! با توجه به حملات هوایی مکرر رژیم صهیونیستی به اهدافی در سوریه، دیدگاه تل‌آویو به وضعیت سوریه چگونه است؟ آیا دمشق را همچنان یک تهدید بالقوه می‌دانند؟

قطعاً! اسرائیل همواره سوریه را یک قطعه کلیدی در پازل امنیتی خود تلقی کرده است. از زمان تأسیس اسرائیل، سوریه به دلیل نزدیکی جغرافیایی و مرزهای طولانی، همیشه به عنوان یک «جبهه شمالی» بالقوه مورد توجه بوده است. در طول سال‌های اخیر و پس از شروع بحران، تمرکز اسرائیل از یک «تهدید نظامی مستقیم» به یک «تهدید ناشی از بی‌ثباتی و نفوذ بازیگران متخاصم» تغییر کرد. اسرائیل به دنبال تضمین این است که هیچ نیروی قدرتمندی در امتداد مرزهایش مستقر نشود و سوریه به عنوان یک دولت مرکزی قدرتمند که بتواند منافع اسرائیل را به چالش بکشد، بازسازی نشود.



021-92 00 00 00

www.respina.net

بدون وقفه کار کنید

پهنای باند اختصاصی رسپینا



ارتباط ارزش‌ها